زیست نامه خود نوشت شاعران

صدیق غریب، غلام رضا

غبغبت را خالی از باد هوی هم کرده‏یی؟ پست و منصب‏های دنیا مست و مغرورت نکرد بر ادیبستان و اهلش اعتنا هم کرده‏یی؟ اشکم پرواز آقازاده‏ها را دیده‏یی‏ یادی از مخلوق بی‏قوت و غذا هم کرده‏یی؟ حالی از بی‏چارگان شهر خود پرسیده‏یی‏ درد جان‏سوز یتیمی را دوا هم کرده‏یی؟ زین همه بی‏کاری و فقر و تباهی و فساد

شکوه‏یی بر خالق ارض و سما هم کرده‏یی؟ گفته‏یی منصب‏مداران غافل‏اند از رنج ما صحبت از نامردم مردم نما هم کرده‏یی‏ این همه بر سرزنان هو یا علی‏ها می‏کشی‏ در عمل آیا به مولا اقتدا هم کرده‏یی؟ بانگ هل من ناصر ینصرنی‏ات آمد به گوش‏ مرغ جانت را رها تا نی‏نوا هم کرده‏یی؟ ظهر عاشورا که خوردی نذری آل عبا

بعد از آن یاد از فرات و کربلا هم کرده‏یی؟ صحبت از پس مانده‏های شمر و اولاد یزید و آن‏چه آرندی به روز خلق ما هم کرده‏یی‏ جان مولا با خدا برگشته‏یی یا از خدا راستی دنیاپرستی را رها هم کرده‏یی؟ ای امیدی ز آن‏چه آوردی درون شعر خود یک کلامش را خدایی خود ادا هم کرده‏یی

بهمن امیدی-تهران

زیست‏نامه‏ی خودنوشت شاعران

از شاعران ارجمند سراسر کشور خواهشمندیم زیست‏نامه‏ی خود را به خط خود بنویسند تا در ماهنامه‏ی حافظ و احیانا بعدها در«دانشنامه‏ی‏ ادبیات معاصر ایران»چاپ شود.

غلام رضا صدیق غریب

غلام رضا صدیق غریب هستم.متولد 1305 شمسی در مشهد مقدس

در سال 1326 با تصدیق ششم ابتدایی به خدمت اداره‏ی فرهنگ و اوقاف و صنایع مستظرفه درآمدم،با سمت آموزگاری.

ضمن انجام کار روزانه از مدت سه سال تحصیل در کلاس‏های شبانه موفق به اخذ دیپلم ادبی شدم.

در اردیبهشت 1334 پایان‏نامه‏ی لیسانس حقوق قضایی را با داوری استادان عزیزی که شما در ماهنامه از آن‏ها یاد کرده‏اید،شادروانان استاد محمود شهابی،سنگلجی،مشکوة در موضوع«سیر تطور حقوق زن و مزایایی که اسلام برای زنان قائل شده است»،با درجه‏ی بسیار خوب به پایان‏ بردم.

در سال 1335 در آزمونی که در کنسولگری امریکا در مشهد به عمل آمد،با رقابت با تمام دبیران زبان انگلیسی فارغ التحصیل رشته‏ی زبان‏ دانشگاه تهران بنده انتخاب شدم و از بورس فولبرایت استفاده کرده و برای مدت شش ماه به امریکا سفر کردم و در امریکن یونیورسیتی آف و اشنگتن‏ به آموختن New metthods of teaching English پرداختم.

در سال 1337 ضمن تدریس در دبیرستان‏ها به دستور مرحوم دکتر سامی‏راد اولین رییس دانشگاه مشهد که مرا در امریکا دیده بود به تدریس‏ زبان انگلیسی در دانشکده‏ی معقول و منقول مشهد منصوب شدم و این کار تا سال 1377 یعنی چهل سال تدریس متون اسلامی و متون عرفانی‏ به زبان انگلیسی در دانشکده‏ی الهیات و معارف اسلامی ادامه یافت.ضمنا در سایر دانشکده‏های دانشگاه فردوسی نیز تدریس داشتم.

در سال 1342 از بورس هیات عمران بین المللی استفاده کردم و دو سال و اندی در دانشگاه امریکایی بیروت A.U.B به تحصیل اشتغال داشتم‏ و با درجه‏ی M.A inEducation فارغ التحصیل شدم.عنوان پایان‏نامه‏ام:تربیت معلم برای مدارس ایران.

از موهبت‏های این سفر تشرف به حج تمتع در معیت امام موسی صدر بود.

در مدت تصدی این امر بالغ بر 20 دانشسرای راهنمایی،دانشسرای مقدماتی پسران و دختران و مراکز تربیت مربی کودک در مشهد و شهرستان‏های مختلف استان تاسیس و پایه‏گذاری کردم.

در سال 1351 در آزمونی که عده‏ی کثیری از تهران و مراکز استان‏ها در آن شرکت کرده بودند،پس از آزمون‏های کتبی و مصاحبه‏های مکرر توسط نهادهای مختلف تنها یک نفر یعنی بنده‏ی شرمنده به‏عنوان عضور عالی رتبه وزارت آموزش و پرورش انتخاب و برای مطالعه و تحقیق در مدارس جامع انگلستان Comprehensive high school ،عازم انگلستان شدم و مدت شش ماه در دانشگاه Reading به تحقیق و تفحص و بازدید از مدارس جامع پرداختم.

در سال 1358 به افتخار بازنشستگی نائل شدم،ولی کماکان به تدریس در دانشکده‏های مختلف فردوسی،دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، دانشگاه آزاد و پیام نور گناباد،دانشگاه آزاد قوچان و رشته‏ی مترجمی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد تربیت حیدریه به تدریس ادامه دادم.

ده سال خدمت مطبوعاتی داشتم و در روزنامه‏ی آفتاب شرق،ماهنامه‏ی تربیت نوین،ماهنامه‏ی فرهنگ و سایر نشریات قلم‏فرسایی کردم.

در زمینه‏ی ادبیات،اشعارم در کتاب‏های شعر امروز خراسان تالیف م.سرشک و م.آزرم،صد سال شعر خراسان تالیف شادروان گلشن‏ آزادی،شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز،تالیف عبد الرفیع حقیقت و کتاب‏های ببار باران رحمت،رویای جوانی و غم پیری،روز مادر، جنگ مادر،هدیه به مادر،مادر دوستت دارم و...چاپ شده است.

از دوستان نزدیک شادروانان مهدی اخوان ثالث،عماد خراسانی و دکتر رضا شفیعی کدکنی هستم.